

لورنس عربستان



◆ دکتر ناصر صفایی نائینی
کانادا

بهتر است نیرویی اعزام نمایند ضمن این که می‌ترسیدند اعزام این نیروها به نوبه خود ممکن است در بین مسلمانان امپراتوری انگلیس ناآرامی‌هایی ایجاد کند.

در اواخر آن سال لورنس که در آن هنگام یک افسر اطلاعاتی ۲۷ ساله بود و قبل از جنگ در آن مناطق به عنوان یک باستان‌شناس فعالیت می‌کرد و به زبان عربی نیز به خوبی تکلم می‌نمود از جانب مخالفین مناخه مستقیم به آن منطقه اعزام می‌شود. ماموریت او این بود که در باره وضع موجود گزارشی تهیه نماید. او در مسافرت خود کوه‌های ناهموار حجاز که مکه را از باقیمانده مناطق تحت سلطه عثمانی‌ها در مدینه جدا می‌کرد زیر پا گذاشت. لورنس معتقد بود که اعراب بادیه نشین رزمنده‌های بسیار خوبی هستند که انگلیسی‌ها باید آنها را فقط با اسلحه و مهمات و مستشار پشتیبانی کنند ولی افسران ارتش منظم در این باره مردد بودند آنها می‌گفتند که انگلستان همیشه علیه باغی‌ها جنگیده است نه همراه با آنها. ولی سرانجام نظریه لورنس بر آنها تفوق پیدا

در اواخر روز سیزدهم می سال ۱۹۳۵ یعنی هفتاد سال پیش یک عاقله مرد موتورسیکلت سوار برای این که با دو دوچرخه‌سواری که از روبه‌رو می‌آمدند برخورد نکند سریعاً ویراژی می‌دهد و در نتیجه کنترل خود را از دست داده و به خارج از جاده پرت می‌شود و سرش به کناره جاده خورده و بیهوش می‌گردد. شش روز بعد از آن یعنی حدود هفتاد سال قبل بدون این که از بیهوشی بیرون آمده باشد فوت می‌کند. این واقعه در کوره راهی در Dorset انگلستان اتفاق می‌افتد و آن موتورسوار کسی جز T.E. Lawrence قهرمان و باعث و بانی شورش اعراب نبود شورشی که بی‌آمدهای آن هنوز هم به گونه مشخصی در جریان است.

در جنگ جهانی اول وقتی عثمانی‌ها به آلمانی‌ها پیوستند سلطان عثمانی علیه انگلیسی‌ها اعلان جهاد دادند انگلیسی‌ها که به این علت نسبت به یکصد میلیون مسلمان متبوع خود متوحش شده بودند به شریف حسین که از اعقاب مستقیم حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام

محسوب می‌شد و ضمناً حاکم مکه هم بود نزدیک می‌شوند و او را برای شورش و طغیان تشویق می‌نمایند به این امید که باغی شدن شریف مکه علیه سلطان عثمانی فتوای جهاد او را در پایتخت اسلام بلااثر نماید. آنها موفق شدند که با یک وعده مبهم برای تشکیل امپراتوری عربی که شامل عربستان، اسرائیل، مدرن، سوریه، اردن و عراق باشد نظر خود را عملی نمایند. انگلیسی‌ها قبلاً هرگز صحبتی در این مقوله نکرده بودند به هر حال شریف حسین موافقت می‌کند. شورش آنها در ژوئن ۱۹۱۶ شروع می‌شود و عثمانی‌ها را از مکه بیرون می‌رانند ولی به علت گرمای بسیار شدید تابستان شدت این شورش خیلی تخفیف پیدا می‌کند و در لندن بحث در می‌گیرد که برای جلوگیری از بازگشت عثمانی‌ها به مکه

کرد. او ادعا کرد که فرانسوی‌ها می‌خواستند نیرویی خارجی را به منطقه‌ای به آن حساسی بفرستند و دقیقاً به این دلیل که آنها می‌ترسیدند که شاید اعراب با واکنزاری سوریه به آنها، که همیشه چشم طمع به آن جا داشتند. مخالفت کنند لذا میل داشتند اعراب سرکش شکست بخورند.

لورنس یکی از معنود افسرانی بود که برای کمک به اعراب به حجاز اعزام شد. او از جمله کسانی بود که امروزه با نام مستشارهایی یا عینک آفتابی شناخته می‌شوند که به یک باره در اغتشاشات هر کجای دنیا ظاهر می‌گردند و به تلفن‌های ماهواره‌ای و چمدان‌های پر از پول مجهز هستند. افسران انگلیسی در آن موقع از تکنولوژی مدرن محروم بودند و اجباراً چشم به خورشید می‌دوختند تا بتوانند مسیر خود را دنبال نمایند و هفته‌ها در مناطق کوهستانی بدون هیچ نقشه و راهنمایی راه‌پیمایی کنند. بدون این که بتوانند با همکاران خود که به تاخت و تاز مشغول بودند تماس برقرار نمایند. هدف اصلی آنها راه‌آهن مدینه و دمشق بود. آنها به ترن‌هایی که نه تنها سربازان را با خود حمل می‌کردند بلکه غیر نظامیانی هم که به علت وخامت اوضاع



مدینه در حال فرار بودند و با آن ترن ها مسافرت می کردند حمله می کردند. اگر امروزه به آن مناطق بروید هنوز هم می توانید اثراتی از آن حمله ها را ببینید منظور یک ماشین بخار کهنه می باشد که تا نیمه در شن فرو رفته است و این همان لوکوموتیوی است که با انفجار یک مین ده یارد به خارج از ریل ها پرتاب شده است. همچنین اسکلت واگن هایی که چوبی را که در ساختمان آنها به کار رفته بود است برای سوزندان به غارت برده اند. وقتی به عقب می نگریم متوجه می شویم که او برای این جنگ ناگهانی در کتاب "هفت ستون خرد" فلسفه خاصی را از پایه داده است ولی این تکنیک جنگ و گریز تنها محلودیت های خاص مردمان قبیله نشین را منعکس می کند آنها هرگز یکسره نمی جنگیدند بلکه ترجیح می دادند که پس از هر یورش ادامه جنگ را به روز بعد موکول کنند. در حقیقت عدم اطمینان لورنس به قبیله نشینان سبب شده که او هر روز بیشتر معتقد شود که بهتر است برای انجام حملات مورد نظرش به جای مردان قبیله نشین و شترهایشان از سربازان انگلیسی و تجهیزات مدرنشان و همچنین از ماشین های رولزرویس مخصوص میدان های جنگی استفاده کند زیرا معتقد بود که قبایل برای حمله مناسب نیستند بلکه بیشتر برای دفاع مناسب می باشند. گازوئیل در تسلیحات مدرن آن زمان به خصوص در صحرا که تحرک و دسترسی به آب امری حیاتی به شمار می رفت اسلحه جدیدی محسوب می شد و لورنس اولین کسی بود که قدرت آن را احساس کرد چنان که تا آخر عمرش هم شیفته سرعت بود. لورنس در حین فعالیتش کشف می کند که قبل از شورش اعراب گفت وگوهای سیاسی نیز در بین بوده است. وعده های مصلحت آمیز انگلیسی ها برای واکناری زمین به اعراب و سوریه به فرانسه و در پی آن فلسطین به یهودی ها او را خیلی مکدر می کند. وقتی او در ماه اکتبر سال ۱۹۱۸ به دمشق می رسد از این که مشارکت او از طرف انگلیسی ها در جنگ سبب شده که قسمتی از قدرت اعراب به فرانسه منتقل شود بسیار ناراحت می شود زیرا مساله این بود که لورنس می خواست روز به روز از قدرت فرانسه در منطقه کاسته شود و حال آن که بالعکس شده بود. او ضمنا پیش بینی می کرد که یهودی ها که خودشان را خیلی بهتر از اعراب سازمان داده بودند کنترل فلسطین را در دست بگیرند.

لورنس معتقد بود که اعراب بادیه نشین رزمنده های بسیار خوبی هستند

در نامه ای به مارک سایکس یکی از نمایندگان محافظه کار که موافقت نامه ای نیز تهیه کرده بود که بر طبق آن سوریه به طور محرمانه به فرانسوی ها واگذار می شد نوشت: قبول دارم که فرانسوی ها برای انگلستان معضلی بودند. سرانجام هم نتیجه این شد که انگلیسی ها قبل از هر چیز اولویت را به فرانسوی ها دادند. او در نامه اش این طور می نویسد: شما می دانید که من شدیداً طرفدار انگلستان هستم و همین طور هم طرفدار اعراب

و فرانسه از نظر من در ردیف سوم قرار می گیرد و کاملاً هم با این فلسفه آشنا هستم که ما باید دوستان کوچک خود را به خاطر منافع دوستان بزرگ خود نادیده بگیریم و یا این که ما باید از مصونیت آینده خودمان در شرق نزدیک به خاطر پیروزی در فلان نبرد صرف نظر نماییم... (بخشی است در شمال غربی فرانسه و جنوب بلژیک) تقریباً در چاله ای افتاده ایم. و بعد نتیجه می گیرد "خواهش می کنم به من بگویید که به عقیده شما در وضعیت کنونی چگونه می توانیم خود را نجات دهیم." یکی از

همکاران لورنس که به غلط فکر می کرد که موافقت نامه سایکس تا پایان جنگ هم توأم نخواهد آورد به او توصیه نادرستی می کند و لورنس هم از ارسال آن نامه صرف نظر می نماید. شاید هم جوابی برای سوال آخرش یافته نمی شد.

عدم موفقیت انگلیسی ها در انجام وعده هایی که به اعراب داده بودند ایجاد رنجش عمیقی کرد و سبب شد که بر مبنای آن مخالفین غربی ها منظمآ عکس العمل نشان دهند چنان که در اولین اعلامیه بعد از فاجعه یازده سپتامبر بن لادن به دنیا خاطر نشان کرد که "ملت ما برای مدتی بیش از ۸۰ سال طعم تحقیر و حقارت را چشیده است." امروزه میراث اردو کشی لورنس که با مردان قبیله نشین شمال غربی عربستان همراه شد و به جنگ پرداخت اثری پایدار و محو ناشدنی در خاورمیانه مدرن به جای گذاشته است.

منابع:

۱- روزنامه گارت مونترال سه شنبه ۲۴ می ۲۰۰۵

2- Lawrence Of Arabia, The authorized Biography

3- T.E.Lawrence: Seven pillars of Wisdom

عرضه انواع UPS

با گارانتی و خدمات پس از

فروش در سراسر ایران

خدمات الکترونیک خراسانی

۰۹۱۲۳۱۸۲۳۷۲